



.....	۸۳۳
.....	۳۷۳
.....	۵۱۶
.....	۱۶۶
.....	۵۶۶
.....	۷۵۲

### فهرست مطالب

.....	۱۱
.....	۱۳
.....	۱۷
.....	۳۹
.....	۴۱
.....	۷۵
.....	۹۸
.....	۱۳۸
.....	۱۷۰
.....	۲۰۱
.....	۲۲۷
.....	۲۲۹
.....	۲۵۵
.....	۳۰۳

۳۴۸	.....	۱۰. اصفهان
۳۷۳	.....	۱۱. بوشهر
۴۱۵	.....	نتیجه گیری
۴۳۱	.....	منابع و مآخذ
۴۴۵	.....	نمایه موضوعی
۴۵۷	.....	نمایه نامها

.....	.....	۱۱
.....	.....	۲۱
.....	.....	۷۱
.....	.....	۶۲
.....	.....	۱۶
.....	.....	۵۷
.....	.....	۸۶
.....	.....	۸۷۱
.....	.....	۰۷۱
.....	.....	۱۰۲
.....	.....	۷۲۲
.....	.....	۶۲۲
.....	.....	۵۵۲
.....	.....	۶۰۶

## زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی

### ایران: جامعه‌ای اسلامی

ایران در اواخر سده نوزدهم جامعه‌ای کاملاً اسلامی بود که در مقایسه با امپراتوری عثمانی و مصر، مدرنیته در آن در قالب افکار سیاسی جدید، تغییرات اقتصادی و بازسازی سیاسی هنوز از پیشرفت اندکی برخوردار بود. درک جهانی که در آن دین همه و جوه زندگی را شکل ندهد، برای بخش اعظم ایرانیان دشوار بود. اسلام، افزون بر مناسک مذهبی، روابط اجتماعی و خانوادگی؛ روابط و مقررات اجتماعات، به ویژه در شهرهای کوچک؛ روابط حقوقی که در آن اصول فقه حتی در قوانین عرفی باید رعایت می‌شد؛ و نظریه‌های گوناگون مشروعیت دولت، کاملاً نفوذ داشت. افزون بر این، شکایات و نارضایتی‌های مردم نیز اغلب از طریق مرجعی مذهبی، عمدتاً روحانیون بلندپایه که واسطه بین مردم و دولت تلقی می‌شدند، صورت می‌گرفت. توجیه اعتراضات در قالب اصطلاحات دینی و توسط رهبران مذهبی، مبنای مشروعیت اعتراض به شمار می‌رفت.

بنابراین، سکولاریسم به معنای دقیق کلمه را فقط معدودی از افراد، از جمله افراد شاغل در دستگاه دیوانی و نیز حلقه‌های کوچک روشنفکران و تنی چند از روحانیون درک کرده بودند. در این دوره سکولارشدن دولت حتی مورد بحث و گفت‌وگو نبود. در این زمان نظام مدرن حکومت عمدتاً به شکل نظام